

شهید می‌نوشتیم. من این توانایی را در خود می‌بینم. امروز صفر تا صد کار با خود من است؛ از مصاحبه تا تحقیق، تمام کارها را خودم انجام می‌دهم و سالی یک شهید بیشتر کار نمی‌کنم.

۴. ارتباط شما با روایت فتح چطور شکل گرفت؟

دانشور جلیل: برای من کار در حوزه دفاع مقدس از همان جلسات شروع شد. در آن جلسات آقایان محمدعلی گودینی و استاد حسن معمار حضور داشتند. خانم هامری و جان نثاری نیز از دوستان خود من بودند. شش، هفت نفری بودیم و از ما خواسته شد در حوزه دفاع مقدس، داستان کوتاه بنویسیم. من مرتباً داستان کوتاه می‌نوشتم و در آن جلسات نقد می‌شد. گاهی که تعداد داستان‌هایم زیاد می‌شد، آنها را برای نقد به جلسات استاد سرشار هم می‌بردم و کار را در دو جا نقد و چکش‌کاری می‌کردم. بعد از انجام کار شهید سیاه‌پوش، کار برای ارزش‌گذاری به آقای صادق نیا، مدیریت انتشارات سوره سبز فرستاده می‌شد که دفتر سوره سبز در طبقات فوقانی انتشارات اندیشه‌ورزان بود. آقای صادق نیا خودشان ارتشی هستند و می‌گفتند وقتی از ارتشی‌ها می‌خواهیم که مثل سپاه و بسیج برای شهدایشان کار کنند، می‌گویند کار ما فرهنگی نیست، ما وظیفه دفاع از کشور را داریم. ایشان خودشان در این حوزه سرمایه‌گذاری و از نویسندگان دعوت می‌کردند.

ایشان فردی بسیار منظم بودند. وقتی گفته می‌شد این کتاب قرار است دو ماه دیگر منتشر شود، واقعا این اتفاق می‌افتاد و اثر دو ماه بعد منتشر شده بود، در رومانی همیشه ارتشی‌ها دعوت می‌شدند من سه بار از فرماندهان نیروی زمینی لوح تقدیر گرفته‌ام؛ یک بار از امیر پوردستان و دو بار از امیر حیدری. من هم در حوزه شهدای ارتش کار کردم و هم برایشان داستان کوتاه نوشتم. «مرخصی اجباری» را برای ارتش نوشتم.

۵. کدام یک از کارهایتان را بیشتر دوست دارید؟

دانشور جلیل: من کار کودک زیاد انجام داده‌ام، ولی در کار کودک شانس ندارم. یکسری کارهای هوش مالی با خانم مالک و سارا عرفانی انجام دادم که قرار بود قدیانی منتشر کند، ولی به مدرسه داد. چهار سال از تصویب این کارها گذشته و هنوز منتشر نشده‌اند، دو کار به این صورت معطل است، کاری به نام اسمای متبرکه در به‌نشر دارم که تصویرگرش دو سال است در حال کار است. ۱۰ مورد از امامزاده‌های خراسان را نوشته‌ام که چاپ نشده است. اگر تعداد آثار حوزه کودک من چاپ می‌شد تعدادشان از کارهای بزرگسال من بیشتر بود. در کار کودک هزینه تصویرگری بالاتر از هزینه نویسنده است. در کار امامزاده‌ها آن زمان به ما ۵۰ هزار تومان می‌دادند، ولی گفته شد باید دو میلیون تومان به تصویرگر بدهیم. در کار کودک اسامی شناخته‌شده فروش دارد و مشکلاتی از این دست داریم.

کلاس‌های استاد سرشار تعطیل شد و من برای این‌که جدا نشوم شرکت می‌کردم.

من به بچه‌هایی که تازه قلم به دست گرفته‌اند می‌گویم که خودتان را از محافل ادبی دور نگه‌دارید، به خصوص جلسات نقد و آن قدر شجاعت داشته باشید که کارهایتان نقد شود.

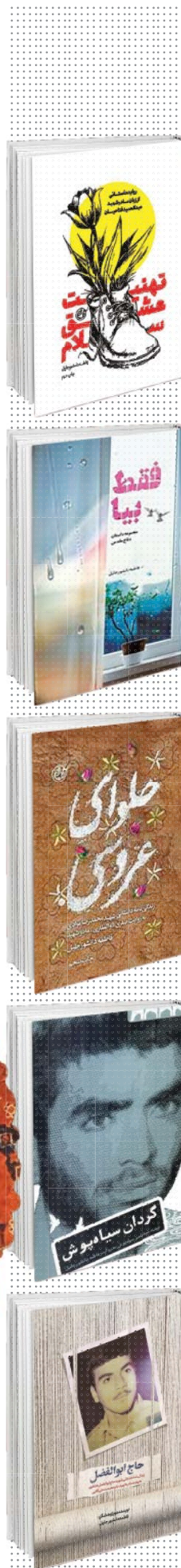
۶. چه شد که وارد فضای روایت شدید؟

دانشور جلیل: امروز مشغول نوشتن یک رمان خانوادگی هستم، ولی کار برای شهدا را رها نکرده‌ام و همچنان توقیفش را دارم. من هر سال، کتاب یک شهید را کار می‌کنم.

۷. این به خاطر علاقه شما به کار روایت است یا به خاطر شهدا این کار را می‌کنید؟

دانشور جلیل: می‌توانم بگویم هر دو وجود دارد. وقتی وارد این حوزه شدم و در جلسات نقد استاد سرشار شرکت می‌کردم، یکی از بزرگواران گفتند کسانی که دوست دارند در حوزه دفاع مقدس قلم بزنند به من اطلاع بدهند، چون محفلی داریم و هر هفته آنجا یک داستان می‌نویسیم. دعوت شدم و اولین شهیدی که به من معرفی کردند، شهید «سیدناصر سیاه‌پوش» بود که برای انتشارات اندیشه‌ورزان آریا به مدیریت آقای امینیان تهیه شد. این اثر بعد از حلوای عروسی منتشر شد و چاپش زمان زیادی برد.

وقتی یک کار در این حوزه انجام می‌شود، برای کارهای بعدی نیز تماس گرفته می‌شود. خانم مردی برای کارهای دوم و سوم با من تماس گرفتند و کم‌کم ناشران با نویسنده و قلمش آشنا می‌شوند. به طور مثال به من گفته شد چون قلمت زنانه است، می‌خواهیم از زبان همسر شهید بنویسید. یا از زبان مادر شهید کار کنید. من معمولاً رد نمی‌کنم، سالی یک شهید را کار می‌کنم، چون هم از همسر و هم از مادر سالنمدن پرستاری می‌کنم. کار من فقط نوشتن نیست که اگر کار من فقط نوشتن بود، شاید سالی از ۱۰



«را بررسی کردیم

می‌کنم!

متوسل می‌شوم و از این طریق حال معنوی خوبی دارم، اصلاً دلم نمی‌خواهد آن شهید دیده نشود.

۸. خانم مردی! آیا با این حرف موافق هستید؟

فرزانه مردی: من هم کار نویسندگی انجام داده‌ام و حرف ایشان بحق است. ولی انتشارات مدیریت‌های مختلفی عوض کرده است. این قرار در زمان مدیری بسته شد که ترایشان این بود که کارها همه خریدار باشد. در مدیریت‌های بعدی تغییراتی ایجاد می‌شود ولی انتشارات با مشکلاتی دست‌به‌گریبان است. اسم ما بزرگ است و همه فکر می‌کنند ما از سپاه و بسیج پول و کاغذ مجانی می‌گیریم. ولی واقعیت این است که به ما می‌گویند خودتان کتاب چاپ کنید تا بتوانید کتاب بعدی‌تان را منتشر کنید. یعنی به ما می‌گویند مستقل شوید. امروز دو انتشارات با پنج نیرو هستیم. من از سال ۱۳۷۶ در روایت فتح بودم، زمانی آن قدر شلوغ بود، میز برای نشستن پیدا نمی‌کردیم. امروز روایت فتح باید کتاب چاپ کند و پول دربیارد تا بتواند کتاب بعدی را چاپ کند! امروز در انتشارات تعرفه‌بندی داریم. کسی که یکی دو کتاب چاپ کرده، خرید اثر می‌شود. یعنی نوقلم است و کتاب مرتبط با موضوع دفاع مقدس است. هزینه کتاب بعد از چاپ دوم و سوم برمی‌گردد. چنین مشکلاتی وجود دارد.

از یکسری کلاخیزاثر می‌کنیم. یکسری در ردیف «ب» قرار می‌گیرند که در تعریف ما ممکن است هفت کتاب داشته باشند و مدل درصدی داریم. نویسنده بسیار معروفی داریم که درصدی کار نمی‌کند و اثر را می‌فروشد. فردی بازنشسته است که به پولش احتیاج دارد، ولی باز در انتشارات مدلی تعریف کردیم که اگر از ۱۰ چاپ گذشت مبلغی برای نویسنده در نظر بگیریم. این جدیداً تعریف شده است.

من انتشاراتی را سراغ دارم که دستگاه چاپ دیجیتال گرفته و سفارش می‌گیرد و می‌گوید ۱۰ نسخه کتاب دیجیتال می‌زنم، انتشارات توانش را ندارند. با این کار هزینه‌ها کمتری می‌شود، به‌ویژه هزینه انبارداری و با توجه به کشش بازار کتاب چاپ می‌شود. خود من هنوز دوست دارم با مداد بنویسم تا خودکار؛ هنوز دوست دارم بافت کاغذ زیر دستم باشد؛ خواندن از روی گوشی برای من سخت است؛ مگر این‌که مجبور باشیم، ولی از سویی این ابزار ارتباط را تسهیل کرده است. کتاب‌های صوتی که تهیه می‌کنیم به دست افراد نابینا می‌رسد. یا خانم‌های خانه‌دار یا کسانی که می‌گویند وقت خواندن کتاب را ندارند و فقط در ماشین گوش می‌کنند، باید این گروه‌ها نیز دیده شود.

امروز نویسنده‌ها هم باید به راه‌های جدیدتری فکر کنند، خارج از کشور نویسنده‌ها بخشی از کتاب‌شان را در فضای مجازی منتشر می‌کنند تا هر کسی می‌خواهد، بخواند و به خرید ترغیب شود؛ از این طریق پول کاغذ هم نمی‌دهند. پایگاه بسیج و همسر شهید و... توقع دارند تا ما کتاب‌ها را مجانی در اختیارشان بگذاریم یا با تخفیف ۷۰ درصد به آنها کتاب بدهیم. واقعا نمی‌توان به آنها گفت پول بدهید و این کتاب‌ها را بخرید. ما در حال ترویج فرهنگ انقلاب و شهادت هستیم، پس باید بارانه‌هایی بدهیم.

۹. بازار کتاب «روایت فتح» بهتر است یا «ساقی»؟

مردی: کتاب‌های روایت حجم کمتری دارند از این روقیمت پایین‌تر است. گاهی وقتی کتاب ساقی را می‌فروشیم به اندازه ۱۰ کتاب روایت است. به خصوص اگر یک استاد دانشگاه کتابی را معرفی کند و ۲۰۰ تا ۳۰۰ نسخه بخرند.

۱۰. من به یاد دارم که شما به صورت منظم در نشست‌های

موسسه شهرستان ادب شرکت می‌کردید.

دانشور جلیل: فقط در جلسات نقد آقای عزتی شرکت می‌کردم.

کتاب‌هایمان را به دست رهبرانقلاب می‌رسانیم

بودم که خانواده کمک خواهد کرد. ما تا حد توان مان مثلاً از طریق بیت حتماً کتاب را به دست مقام رهبری می‌رسانیم. من در سال ۱۳۹۷ در دیداری خصوصی با حضرت آقا چند کتاب از روایت را بردم و رودررو به ایشان توضیح می‌دادم که فرمودند این همان شهیدی است که خودش را افغانی جا زده و رفته بود؟! ایشان کتاب را خوانده بود و تقریظ شده بود، ولی بیت این را بیرون نمی‌داد. ما یا حضوری رفته‌ایم از طریق خانواده ایشان یا از طریق شخصی دیگر، کتاب‌ها را به بیت رهبری رسانده‌ایم.

فرزانه مردی: نویسنده‌ها باید حرکت کنند. انتشارات ۳۰۰ کتاب دارد و همه نویسنده‌ها توقع دارند کتاب آنها کار شود. توان انتشارات در تبلیغ و صفحه‌ای که دارد محدود است. ما تا جایی می‌توانیم آثار را تبلیغ کنیم و جلسات نقد و بررسی بگذاریم. برای یک کتاب می‌توانیم یک رونمایی بگیریم یا تبیین بگذاریم یا جلسات نقد و بررسی داشته باشیم، ولی برای برخی کتاب‌ها نمی‌شود این کار را انجام داد؛ فرصتی نیست و تا چشم به هم بزنی کتاب بعدی آمده است. من در مورد این کتاب مطمئن